

- برای جبران ناکامی مونیخ

بعد از ناکامی کشتی ایران در المپیک ۱۹۷۲ مونیخ که با یک نقره در فرنگی و یک برنز در آزاد پایان یافته بود، تیمسار علی حجت کاشانی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی، طی حکمی در مهرماه ۱۳۵۱ سیدمحمد خادم حقیقت را به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب می‌کند که نتیجه آن، عملکردی مثبت در رقابت های جهانی ۱۹۷۳ و بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران است. مسابقات جهانی ۱۹۷۴کشتی آزاد در استانبول و کشتی فرنگی در کاتوویچ لهستان که چندروز بعد از بازی های آسیایی است و ایران با تیم دوم در آن ها شرکت می‌کند، دوباره ضعف های فنی را مشخص می‌کند.آورده این دوره از مسابقات و مسابقات جهانی ۱۹۷۵ به ترتیب یک مدال نقره رمضان خدر و یک مدال نقره منصور برزگر است. اوضاع برای کشتی فرنگی با یک برد و ۱۰ شکست پنج کشتی‌گیرش چنان بد است که حتی شایعه حذف آن هاز کاروان المپیک ۱۹۷۶ نیز مطرح می‌شود اما بعد از اصرار و پافشاری فدراسیون و موافقت کمیته ملی المپیک، با اعزام هفت فرنگی‌کار به مسابقات المپیک موافقت می‌شود.

فدراسیون کشتی همچنین برای جبران نتایج با یک برنامه‌ریزی متفاوت نسبت به گذشته حرکت می‌کند و در هشت ماهی که مانده است به آغاز مسابقات المپیک در تورنمنت های آریامهر تهران، تفلیس گرجستان، جام جهانی تولید و آمریکا، رقابت‌های کانادا، دانکولف بلغارستان، مدودید شوروی، فرایبورگ آلمان واولان باتور مغولستان شرکت می‌کند. بعد از آن، مرحله اول و دوم انتخابی را برگزار می‌کند که نتیجه‌شش وزن آن نظر کمیته فنی را جلب نمی‌کند و در فاصله دو ماه تا آغاز المپیک، یک‌بار دیگر بین مدعیان انتخابی انجام می‌شود. این برنامه های سنگین تمرینی و حضور بلند مدت کشتی‌گیران در اردوهای تیم ملی باعث می‌شود که مربیان تیم ملی، از جمله مربیان تیم آزاد، چندین برنامه تفریحی را نیز در برنامه خود بگنجانند. برنامه‌های مفرح کوهنوردی و سفر به مشهد از این جمله است.

- فرار از دود به اکسیژن

تنها گزارش از این برنامه‌ها را کیهان ورزشی در شماره ۱۱۵۲ خود به تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۵۵ منتشر کرده است. کیهان روی جلد خود عکسی دارد از ملی پوشان آزاد ایران و در پشت جلد تصویری از نهار خوردن آزادکاران و تمرینات فرنگی‌کاران. در همین صفحه ذیل تیتر «همه امیدوارند»، نوشته شده است، «وقتی با کشتی‌گیران صحبت از بازی های المپیک می‌شود، همگی به نتیجه کارشان امیدوارند و هیچ‌یک حاضر نیستند بگویند که دست خالی باز خواهند گشت. این امید در نزد سبک‌وزن‌ها بیشتر دیده می‌شود.» برای فرنگی‌کاران نیز ذیل تیتر «مدافعان افتخار گذشته» که به اولین مدال این رشته در المپیک قبلی اشاره دارد، آمده است: «در المپیک مونیخ رحیم علی‌آبادی برامتیازترین کشتی‌گیر ایران بود، زیرا تنها مدال نقره گروه کشتی‌گیران اعزامی به المپیک مونیخ را در کشتی فرنگی به دست آورد و اکنون این امید هست که کشتی‌گیران فرنگی در مونترآل افتخار او را تجدید کنند. آنان تمرین های بسیار فشرده و سختی را زیر



تیم ملی کشتی آزاد ایران اعزامی به مسابقات المپیک ۱۹۷۶ مونترآل

نظر حسین ملاقاسمی انجام می‌دهند.»

کیهان ورزشی همچنین در صفحه ۱۷ خود دو عکس دیگر از میز نهار اردونشینان چاپ کرده و برای یکی از آن‌ها نوشته: «میزآمدها» و توضیح داده است که «دور این میز بسیاری از امیدهای کاروان ایران برای شرکت در المپیک مونترآل نشسته‌اند.»

اما نخستین گزارش از برنامه‌های متفاوت تمرینی تفریحی تیم‌ملی در صفحه۲۹ این شماره‌از کیهان‌ورزشی منتشر شده است، جایی که دو تصویر از کوهنوردی آن‌ها را نشان داده و نوشته است: «فرار از دود به اکسیژن؛ اعضای تیم ملی کشتی آزاد ایران برای کسب هرچه بیشتر قدرت بدنی‌و استفاده از هوای آزاد، هفته‌گذشته در چند جلسه کوهنوردی شرکت کردند و به ارتفاعات البرز رفتند.»

- نفتی، آی نفتی!

داوود الماسی، خبرنگار کیهان که در برنامه کوهنوردی ملی پوشان حضور داشته است، گزارش این همراهی را باتیتر «باتیم ملی کشتی تا آبشار دوقلو» در صفحات ۴۴ و ۴۵ کیهان ورزشی چاپ ۱۲ تیر ۱۳۵۵ نشر داده است. در این گزارش آمده است: «ساعت ۴ بامداد روز سه‌شنبه صنعت‌کاران، مربی تیم ملی کشتی آزاد، همه کشتی‌گیران را از خواب بیدار می‌کند و از رستوران اردو خبر می‌دهند که آذوقه آماده است. کاروان آماده حرکت است ولحظه‌ای بعد با یک صلوات بلند، اتوبوس به‌طرف شمال شهر به‌راه می‌افتد. بچه‌ها اندک‌اندک خماری از سرشان می‌پرد، اول سوخته‌سرابی شروع می‌کند و می‌گوید: «آقا صنعت تو را به خدا، به جایی بریم که ساز و ضرب داشته باشه.»

اولین سفر تیمی ورزشکاران قبل از المپک

سفر تیمی کشتی‌گیران در تیرماه سال ۱۳۵۵ به مشهد، به‌احتمال فراوان، نخستین سفر از این جنس است، چون برای هیچ‌کدام از المپیک‌های قبلی چنین موردی ثبت و ضبط نشده است. محمدعلی صنعت‌کاران، سرمربی وقت تیم ملی کشتی آزاد، وقتی همراه تیم کشتی به مسابقات تفلیس می‌رود، از انستیتوی ورزش شوروی هم بازدید و با آکروشدیزه، مسئول آنجا ملاقات و گفت‌وگو می‌کند. او با کپی‌برداری از حرف‌های آکروشدیزه، تمرینات جدیدی را برای تیم ملی پایه‌ریزی می‌کند. از جمله سه جلسه تمرین در روز این سفر هم از همان برنامه‌هایی است که او برای ورزشکاران می‌چیند تا قدری از فشار و یکنواختی تمرینات دور شوند. نمونه‌های دیگر از روش او را می‌توان در گزارش کیهان ورزشی قبل از همین سفر دید که کشتی‌گیران را به کوه برده است؛ البته که هیچ‌کدام از این روش‌ها جواب نمی‌دهد، چون کشتی‌گیران ایران بعد از چندین دوره مسابقه فشرده و با خستگی تمام به المپیک ۱۹۷۶ مونترآل می‌رسند و از آن میان، فقط منصور برزگر دشتش به مدال می‌رسد. آن هم نقره.

رخصت ملی

مروری بر حضور کشتی‌گیران اعزامی به المپیک مونترآل در حرم مطهر رضوی که نخستین زیارت تیمی ملی پوشان است



آمدن تیم ملی کشتی به مشهد قبل از مسابقات جهانی و المپیک امروز چیز مرسوم‌ی است اما در سال ۱۳۵۵ رسم نبود؛ برای همین وقتی تیم‌های کشتی فرنگی و آزاد ایران قبل از مسابقات المپیک ۱۹۷۶ مونترآل به مشهد آمدند، روزنامه کیهان تیتر زد: «کشتی‌گیران تیم ملی به زیارت امام‌رضا^(ع) رفتند». با نگاهی به مطبوعات و اسناد پیش‌ازاین تاریخ، متوجه می‌شویم که این سفر، نه‌تنها نخستین سفر زیارتی ملی پوشان کشتی که نخستین سفر زیارتی ملی پوشان ایرانی است و قبل از تیر ۱۳۵۵ هیچ‌کدام از تیم‌های اعزامی ایران به مسابقات آسیایی، جهانی یا المپیک، سفر زیارتی مشهد را تجربه نکرده‌اند. خطوط پیش‌رو به این سفر و برنامه‌های متفاوتی که کشتی‌گیران اعزامی به المپیک برای نخستین بار تجربه کردند، اختصاص یافته است.

«نفتی، آی نفتی!» اصل شوخی گفت‌وگوی چند ساعتی کشتی‌گیران تیم ملی ایران در صعود از دربند تا پس قلعه بوده است. آن‌طور که الماسی نوشته است موضوع این شوخی به دلدادگی محمدرضا طالقانی برمی‌گردد که در خطوط بعدی ماجرایش هم لو می‌رود. او همچنین در بخش از نوشته‌اش که بولد نیز شده، آورده است: «در این کوهپیمایی نیم‌روزه، کشتی‌گیران ۱۰ هندوانه، پنجاه تخم‌مرغ، دو کیلو عسل، بیست نان بربری، چند کیلو خرما و نبات خوردند و مقدار زیادی اکسیژن خالص استنشاق کردند. چیزی که در شهر دودگرفته ما حکم کیمیا دارد.»

- اولین زیارت ملی پوشان

برنامه‌های تفریحی ملی پوشان قبل از اعزام به المپیک مونترآل در نهایت گویا با یک سفر خاص و منحصر‌به‌فرد در ۱۳ تیر ۱۳۵۵ پایان می‌پذیرد؛ سفر به مشهد و زیارت امام‌رضا^(ع).

روزنامه کیهان در صفحه ۸ شماره ۹۹۰۷ به تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۵۵ همراه با عکسی که «داود الماسی»، خبرنگارش، از کشتی‌گیران در مشهد انداخته تیتر زده است: «کشتی‌گیران تیم ملی به زیارت امام‌رضا^(ع) رفتند.»

ذیل این تیتر آمده است: «کشتی‌گیران تیم ملی به زیارت امام‌رضا^(ع) رفتند، به دعوت تربیت‌بدنی استان خراسان و دانشگاه فردوسی مشهد، اعضای تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران، اعزامی به بازی های المپیک مونترآل، برپرویز به مشهد رفتند و مرقد مطهر امام هشتم^(ع) را زیارت کردند. در این سفر کشتی‌گیران به همراه سرپرستان خود در چند میهمانی که از طرف کشتی‌گیران و پیش‌کسوتان این رشته ورزشی در مشهد برپا شده بود، شرکت کردند. این عکس کشتی‌گیران را قبل از شرکت در میهمانی تربیت‌بدنی دانشگاه فردوسی نشان می‌دهد.

ایستاده از راست: حسین ملاقاسمی، مربی تیم کشتی فرنگی، اسکندر فیلابی، رمضان خدر، جعفر علیزاده، غلامرضا قصاب، بهرام مشتاقی، ابراهیم جوادی، غلامرضا خلج، محسن فرح‌وشی، محمدرضا طالقانی، هوشنگ منتظرالظهور، علی اصغر سعادت(ی سرپرست گروه اعزامی)، هاشم کلاهی و محمدعلی صنعتکاران، مربی تیم کشتی آزاد.

نشسته از راست:خلیل رشید محمدزاده، حبیب فتاحی، محمدرضا نوائی، مراد علی شیرانی، جهان‌شاه کریمی و منصور برزگر.

از میان این عده، خلج، طالقانی و کریمی جزو نفرات اعزامی به مونترآل نیستند.»
بانگاهی به مطبوعات و اسناد پیش‌ازاین تاریخ، متوجه می‌شویم که این نخستین سفر ملی پوشان کشتی به مشهد است و قبل از تیر ۱۳۵۵ هیچ‌کدام از تیم‌های اعزامی ایران به مسابقات جهانی یا المپیک، سفر زیارتی مشهد را تجربه نکرده‌اند. اگرچه گویا هیچ‌کدام از کشتی‌گیران حاضر در این عکس حاجت خود را از امام نمی‌گیرند و فقط منصور برزگر است که قدری موفق ظاهر می‌شود و با ایستادن روی سکوی دوم وزن ۷۴ کیلوگرم، یکی از دو مدال کاروان ایران را در المپیک به‌دست می‌آورد و حاجت‌روا می‌شود.



برای زیارت.»

متن خبر ۱۵ تیر ۱۳۵۵ روزنامه کیهان را برای استاد جوادی می‌خوانم و از میهمانی‌ها و دیدارهایی می‌پرسم که تیم کشتی طبق این خبر داشته است؛ می‌گوید: «این سفر البته خیلی کوتاه بود. ماصبح آمدیم و عصر برگشتیم، چون خیلی به المپیک نزدیک بودیم و بچه‌ها باید زودتر برمی‌گشتند تهران و آماده اعزام می‌شدند. فرصت برای کاری یا دیداری نبود. تا آمدیم و به حرم رفتیم و زیارت کردیم، ظهر شده بود، رفتیم نهار خوردیم و بعد هم بچه‌ها در بازارهای اطراف حرم قدری گشتند و برای عزیزانشان سوغاتی خریدند. بعد رفتیم سمت فرودگاه تا برگردیم تهران.»

او همچنین درباره گزارش مفصل کیهان ورزشی که دو روز قبل از خبر روزنامه کیهان چاپ و منتشر شده است، می‌گوید که «این سبک تمرین تا قبل از آن در کشتی ما نبود؛ البته من و برزگر و یکی دیگر از کشتی‌گیران، خودمان هر هفته کوه می‌رفتیم اما اینکه کل تیم برود، مرسوم نبود. تصاویر آن گزارش مربوط است به اردوی نیم‌روزه ما در کوه‌های کرج. چون خانه من کرج بود، بچه‌ها را آوردیم آنجا که هم از حالت یکنواختی تمرینات و جو تهران بیرون بیایند و هم تفریحی کرده باشند. از نزدیک عظیمیه رفتیم بالا و چندساعتی پیمایش داشتیم، روز خوبی بود.»

بعد هر کدامان را سوار یک جیب روپاز کردند و راه افتادیم سمت شهر مستقیم ما را بردند سمت حرم، حرم خیلی خلوت بود، حرم را برای ما مارق کرده بودند. جز ما و چند مهماندار و هماهنگ‌کننده‌های برنامه، کس دیگری نبود. نزدیک ضريح، آقایای، زیارت نامه خواند. خلاصه یک ساعت تمام، فقط ما بودیم و ضريح امام‌رضا^(ع). یک دل سیر زیارت کردیم، فردایش ما را بردند پیش آقای زاهدی که هم استاندار خراسان بود و هم تولیت آستان قدس را داشت؛ یک سکه پنج‌پهلوی به ما هدیه داد که پشتش تصویر گنبد و بارگاه امام‌رضا^(ع) بود. فردایش رفتیم دیدار شهردار، او هم به ما یک انگشتر طلا هدیه داد. فردایش آرامگاه فردوسی، ما را به تمام جاهای دیدنی مشهد بردند. یک هفته به همین صورت در مشهد بودیم.»

مربی اسبق تیم ملی کشتی آزاد ایران سفر کشتی‌گیران را در سال ۱۳۵۵، دومین سفر ویژه خود می‌داند و می‌گوید: «چهار سال بعد از سفر اول، در قالب تیم کشتی واین بار قبل از مسابقات المپیک و در کسوت مربی به مشهد آمدم. نمی‌دانم این سفر چطور تدارک دیده‌ده، همین‌طور درست خاطرم نیست که فقط تیم‌های کشتی آزاد و فرنگی بودند یا ورزشکاران تیم‌های دیگر هم با ما بودند. به هر روی آن زمان به ما اعلام کردند، «آماده باشید که پس فردا با قهرمانان تیم می‌روید مشهد

جراحی شد. انگشتم اصلاوضع خوبی نداشت، طوری‌که دکتر داخل دهکده گفت: «اگر مسابقه بد هم، احتمال قطع شدنش هست.»

گفتم: «بیست تا انگشت دارم، حالا یکی نباشد، مهم نیست.» قبول نکردم و مسابقه دادم. من و رومان دیمیتریوف روس واگنان نیکولف بلغارستانی رسیده بودیم به فینال. آن زمان قهرمانی با امتیاز به دست می‌آمد، نه برد یاخت. من اول با دیمیتریوف کشتی گرفتم و او را هشت بر سه شکست دادم؛ مانده بود کشتی با بلغار، همه من را قهرمان می‌دانستند. کم‌اینکه سه سال پیایی قبل از المپیک هم طلای جهان را برده بودم. همان‌طور که می‌دانید، در المپیک حرف اول را مدال طلا می‌زند، یعنی یک طلا بالاتر از هزار نقره است. این بود که روس‌ها دست‌به‌کار شدند تا من را مقابل بلغار بیازانند. همین‌طور هم شد و در نتیجه کشتی‌گیر روس با آنکه به من باخته بود، بر سکوی اول المپیک ایستاد، بلغار دوم شد و من سوم. من در شرایطی که برای انگشتم مدام آنتی‌بیوتیک می‌خوردم و پنی‌سیلین می‌زدم، تنها مدال آور کشتی آزاد بودم. وقتی باوجود مصدومیت مدال گرفتم، کیهان ورزشی صفحه اولش تیتر زد که «جوادی را دور ایران بگردانید و الگوی جوانان قرار بدهید.»

گمانم همین تیتر بود که تیمسار حجت، رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی، من را خواست و گفت: «جوادی می‌خواهم دور ایران بگردانمت، اولین مسافرت هم باید بروی مشهد.» در مونیخ رحیم علی‌آبادی در کشتی فرنگی و محمد نصیری در وزنه‌برداری مدال نقره گرفته بودند. من کمی فکر کردم و گفتم: «آقا! ما سه نفر بودیم که در المپیک مدال گرفتیم؛ حالا که چنین تصمیمی دارید و محبت می‌کنید، علی‌آبادی و نصیری را هم همراه من بفرستید تا هم از زحماتشان قدر دانی بشود، هم من تنها نباشم.» واقعا هم حقشان بود. خیلی زحمت کشیده بودند و ارزش مدالشان هم از من بیشتر بود. تیمسار ار کار را کرد، به منشی اش رنگ زد و گفت: «با مشهد تماس بگیرید و بگویید از این قهرمانان استقبال رسمی بشود، پنج‌روز بعد برایمان بلیت گرفتند و گفتند فلان روز بروید فرودگاه. به این ترتیب ما سه

حسین بیات! ابراهیم جوادی که با چهار بار قهرمانی پیایی جهان، دو بار قهرمانی در بازی های آسیایی و یک مدال برنز از المپیک ۱۹۷۲ مونیخ، پرافتخارترین کشتی‌گیر سبک‌وزن تاریخ کشتی ایران است، در المپیک ۱۹۷۶ مونترآل کشتی نمی‌گیرد، او به دلیل مصدومیت قدیمی خود نمی‌تواند کشتی بگیرد اما در کسوت مربی تیم ملی کشتی آزاد عازم المپیک می‌شود، ازاین‌جهت در سفر آن‌ها هم به مشهد همراه کشتی‌گیران است. با او تماس می‌گیرم تا از چندوچون این سفر بگویم که انگار اولین سفر تیمی ملی پوشان ایرانی به مشهد است. این پیش‌کسوت کشتی هم با تأکید بر اینکه به‌خاطر ندارد «تیم کشتی را به مشهد برده باشند»، می‌گوید: «من در المپیک مونیخ هم عضو تیم بودم و می‌دانم که تیم را به مشهد نبردند. گمانم سفر قبل از المپیک مونترآل، نخستین سفر تیم ملی به مشهد باشد.»

او اما از سفر دیگری در سال ۱۳۵۱ می‌گوید که در نوع خودش بی‌نظیر است و به المپیک ۱۹۷۲ مونیخ برمی‌گردد. می‌گوید: «من در المپیک مونیخ مصدوم بودم، گردنم مصدوم بود و انگشتم هم آنجا سه بار

